

## پژوهشی در باب کنش و منش وزیران در قصه‌های عامیانه مکتوب ایرانی (مورد پژوهانه: *داراب‌نامه طرسوسی*، *حمزه‌نامه*، *امیرارسلان نامدار*)

امیرعباس عزیزی فر\*<sup>۱</sup> محمود کمالی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳۰)

### چکیده

در این پژوهش که به صورت توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به شیوه اسنادی صورت گرفته است، پژوهشگران سه قصه *داراب‌نامه طرسوسی*، *حمزه‌نامه* و *امیرارسلان نامدار* را برگزیده‌اند. دلیل گزینش این قصه‌ها، علاوه بر ناموری آن‌ها، میزان بسامد کارکرد وزیران در آن‌ها بوده است. هدف از این پژوهش، بازنمایی سیمای وزیران در نقش یکی از مهم‌ترین کنشگران قصه‌های عامه است تا بدانیم آنان در روند قصه چه رفتارهایی را انجام می‌دهند و این کنش‌ها تا چه میزان در روند قصه تأثیرگذار است. به تبع این اهداف، پرسش‌های پژوهش این است که چه دسته‌بندی‌ای از کنش‌های وزیران در قصه‌های عامیانه فارسی می‌توان به دست داد و این نقش‌ها برخاسته از چه مسئله یا مسائلی است. آیا بازتاب رخدادها تاریخی و اجتماعی است یا اینکه این نقش‌ها به صورت ثابت و تپیک در همه قصه‌ها یکسان تصویر می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد که وزیران در دو طیف قرار می‌گیرند: یکی موبد - وزیر است و دیگری سپاهبد وزیر. از این منظر نقش وزیر نخستین مشاور فرهنگی، اجتماعی و قضایی

---

۱. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

\*a.azizifar@razi.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.

است و دیگر وزیر مشاور نظامی (وزیر جنگ) است. بر اساس این دسته‌بندی، وزیر نخست (موبد - وزیر) کردارهایی همچون طالع‌نگری، عقد ازدواج، سفارت، میانجی‌گری، خواب‌گزاری، رایزنی سیاسی، درمانگری و طلسم و طلسم‌گشایی را به انجام می‌رساند و دیگر وزیر بیشتر به صورت رایزن نظامی و در مواردی توطئه‌گری و خیانت خود را نشان می‌دهد. تفاوت وزیران قصه امیر ارسلان نامدار با وزیران دو قصه دیگر در این است که دسته‌بندی ذکرشده در باب این وزیران به کار نمی‌رود. در این قصه وزیر به صورت وزیر دست راست و وزیر دست چپ تصویر می‌شود که وزیر دست راست خوش‌قلب، مصالحه‌گر، پاک‌سرشت و البته، هواخواه قهرمان قصه است و دیگر وزیر، فردی بدسرشت، توطئه‌گر و ضد قهرمان است. دو قصه نخست *داراب‌نامه* و *حمزه‌نامه* به شدت بازتاب‌دهنده رخداد‌های تاریخی و اجتماعی دوره ساسانی است و قصه امیر ارسلان مربوط به دوره معاصر (دوره قاجار) است.

**واژه‌های کلیدی:** قصه عامه، کنش و منش وزیران، *داراب‌نامه طرسوسی*، *حمزه‌نامه*، *امیر ارسلان نامدار*.

## ۱. مقدمه

قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه را می‌توان کهن‌ترین، مستندترین و در عین حال، غنی‌ترین منابع شناخته‌شده و در دسترس هر سرزمین به‌شمار آورد. اگر ادبیات و فرهنگ یک سرزمین را مجموعه آثار مکتوب، شفاهی و روایی - نقالی یک ملت بدانیم که از آرمان‌ها، باورها، اعتقادات، آیین‌ها و آداب و رسوم سخن می‌گویند، آنگاه به اهمیت این مقوله فرهنگی - پژوهشی بیشتر پی خواهیم برد. قصه‌های عامیانه فارسی، امروزه نقشی ویژه پیدا کرده‌اند، افسانه‌ها، قصه‌ها و داستان‌های عامیانه در گذشته نقشی تفننی و سرگرم‌کننده داشتند و به منظور گذران اوقات نقل می‌شدند، امروزه این کارکرد ابتدایی را از دست داده، کارکردی پژوهشی - فرهنگی در مجامع بین‌المللی، دانشگاهی و علمی یافته‌اند.

نخستین بار در اوایل قرن نوزدهم (۱۸۱۲ - ۱۸۱۴م) برادران گریم<sup>۱</sup> با انتشار مجموعه *قصه‌های عامیانه آلمانی*، اقدام به گردآوری و بررسی قصه‌ها در سطح جهان کردند، پس از این اقدام، پژوهشگران کوشیدند از زاویه‌ای دیگر و از منظر دسته‌بندی و طبقه‌بندی

قصه‌های عامیانه، به این بخش از ادبیات جهان توجه کنند. در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۰ م) آرنه - تامپسون<sup>۲</sup> فهرستی از انواع قصه، بر اساس مضمون و درون‌مایه منتشر کردند. ولادیمیر پراپ<sup>۳</sup> یکی دیگر از پژوهشگرانی بود که از منظری دیگر به بررسی قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه پرداخت و مطالعات ریخت‌شناسی - ساخت‌گرایی این قصه‌ها، برخاسته از مطالعات اوست. درواقع، کار او بررسی عناصر داستان‌ها بر مبنای نظریه ساختارگرایی است و بیشتر در حوزه کنش و خویش‌کاری شمار معدودی از عناصر قصه است.

در همه قصه‌ها عناصر انسانی، حیوانی، گیاهی و ماورائی حضور دارند که در پیش‌برد قصه نقشی مهم و تأثیرگذار دارند. در این بین نقش درباریان بیش از دیگر عناصر است. شاه، شاه‌زاده، شاه‌دخت، ملکه، وزیر، سپهسالار، جهان‌پهلوان و... که همگی درباری هستند، عناصر اصلی بیشتر قصه‌ها هستند. یکی از این افراد تأثیرگذار، وزیر است که در این پژوهش نقش، کنش و سیمای وی را در سه قصه عامیانه مکتوب ایرانی بررسی می‌کنیم. سه قصه مورد بررسی عبارت‌اند از: *داراب‌نامه طرسوسی*، *حمزه‌نامه* و *امیر ارسلان‌نامه*. دلیل گزینش این قصه‌ها علاوه بر ناموری آن‌ها، میزان بسامد کارکرد وزیران در آن‌ها بوده است، ضمن اینکه سه قصه مذکور با سه زمینه مختلف درون‌مایه‌ای گزینش شده است. *داراب‌نامه* درون‌مایه‌ای اساطیری - حماسی و تاریخی دارد، *حمزه‌نامه* درون‌مایه‌ای حماسی - دینی دارد و *امیر ارسلان‌نامه* حماسی - عاشقانه است.

## ۲. پیشینه پژوهش

اکرم بهرامی (۱۳۵۴) در پژوهشی با عنوان *وزیر و وزارت در دوره اسلامی* به بررسی تاریخی مقام وزرات با تأکید بر دوره اسلامی و با توجه به کتاب *سیرالملوک* خواجه نظام‌الملک پرداخته است. شهرزاد شیدا و داوود حقی‌دانالو (۱۳۹۴) در جستاری با عنوان *بررسی جایگاه و ویژگی‌های وزیر در متون ادبی*، علاوه بر بررسی مفهوم واژه وزیر در کتاب‌های گوناگون، به تاریخچه، ویژگی‌ها، پیوند دین و سیاست و تأثیر آن بر منصب وزارت و نیز جایگاه و حیطه توانایی‌های وزیر پرداخته‌اند. مارزلف (۱۳۷۱) در

طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی برای جمع‌بندی ویژگی‌های مضمون قصه‌های عامیانه، فهرست ثابتی از اشخاص قصه‌ها تهیه کرده است. عزیزی‌فر (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود با عنوان تیپ‌شناسی قهرمانان قصه‌های عامیانه مکتوب ایرانی بحثی مختصر و کلی در باب تیپ وزیران در هفت قصه عامیانه فارسی دارد. با جست‌وجوهایی که در منابع مختلف صورت گرفت، پژوهشی که با عنوان جستار پیش‌رو همسانی یا هم‌پوشانی داشته باشد، یافت نشد.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به اقتضای معمول پژوهش‌های این‌چنینی، به گونه کیفی، بر حسب مطالعه کتابخانه‌ای به شیوه اسنادی است. بدین صورت که در باب موضوع‌محوری پژوهش، یعنی وزیر، ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی، در موضوع وزیر و نقش و کارکرد او از دوره تاریخی تا روایت‌های عامیانه، مطالبی استخراج و درج شده، سپس با مطالعه منابع هدف *درا ب‌نامه طرسوسی*، حمزه نامه و *امیر ارسلان نامدا*، سیمما و نقش وزیران کاویده شده است.

### ۴. بحث و بررسی

#### ۴-۱. اهمیت وزیران

در *رسائل اخوان‌الصفاء*، نسبت وزیران و کاتبان به دیگر درباریان و در قیاس با شاه، نسبت عطار با خورشید و دیگر اختران دانسته شده است (اخوان‌الصفاء، ۱۴۰۵ق: ۲/ ۴۶۷). در باب چهارم از کتاب *قابوس‌نامه* در باب وزیران و باید و نبایدهای این تیپ مطالب مفصلی آمده است (عنصرالمعالی، ۱۳۷۳: ۲۱۶ - ۲۲۲). ابن خلدون درباره این طبقه می‌گوید: از مهم‌ترین پایگاه‌های سلطنتی و اساس همه پایگاه‌های پادشاهی است؛ زیرا نام آن بر مطلق «یاری» دلالت می‌کند؛ زیرا این کلمه یا از «موازرت» به معنای معاونت و یا از «وزر» به معنی سنگینی گرفته شده است. وظیفه او در امور مربوط به نگهداری و کشورستانی و گرداندن امور است. وزیر در امور خراج‌ستانی اموال و مصرف کردن آن‌ها و نگهداری از آن‌ها نیز دخالت می‌کند، او پیوسته باید با سلطان در ارتباط

باشد و در همه احوال کشور مشارکت جوید. بعدها وزیر صاحب پایگاه قلم و شمشیر شد؛ زیرا او در تقسیم مستمری سپاهیان و نظم و انتظام آنان نیز دخالت می‌کرد و آنگاه امور قلم و نامه‌نگاری نیز زیر نظر او قرار داشت تا اسرار سلطان و بلاغت زبان را صیانت کند (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۱/ ۴۵۲ - ۴۶۴). احمد بیانی درباره این تیپ می‌نویسد: این تیپ در بیشتر قصه‌ها، نماد و مظهر قدرت تفکر و تدبیر است و با توجه به بسامد بالای آن در افسانه‌ها و قصه‌ها، توجه به این نکته ضرورت دارد که این تیپ نشانه‌ای از تفکر محض تلقی شود، در برخی از قصه‌ها، دو وزیر مخالف یکدیگر، به عنوان نشانه‌های افکار متضاد رو در روی هم قرار می‌گیرند (بیانی، ۱۳۷۴: ۳۴). این تیپ در قصه‌ها بیشتر به دو صورت راست‌کردار و خوش‌قلب (وزیر دست راست) و کژکردار و بدسرشت (وزیر دست چپ) و گاه نیز به ندرت به صورت خنثی دیده می‌شود. در کتاب *تاریخ تمدن ایران* درباره وزیر آمده است:

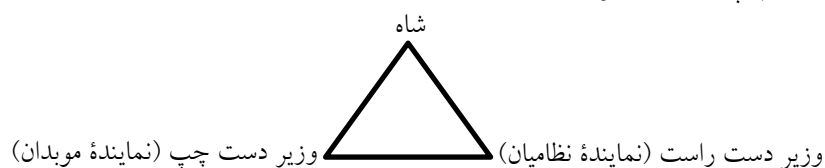
در رأس امور اداری مملکتی «وزورک فرامادار» که به زبان پهلوی به معنای فرمانروای بزرگ است، قرار داشت؛ این شخص تحت نظر شاه اداره امور کشور را بر عهده داشت و به هنگام سفر یا عزیمت وی به جبهه جنگ، جانشین شاه محسوب می‌شد (ماسه و گروسه، ۱۳۳۹: ۲۸۲).

با این حال دارمستتر در کتاب *تتبعات ایرانی* واژه وزیر را از لغت پهلوی «ویچیر» (*Vi-Çir*) گرفته است و می‌نویسد: «لغت ویچیر مشتق از ویچرا (*Vi-Çira*) است که به معنی تصمیم گرفتن است» (بهرامی، ۱۳۵۴: ۹۵۹).

#### ۴ - ۲. بررسی کنش و منش وزیران در قصه‌های عامیانه مکتوب ایرانی

نقش و کنش دوسویه نظامی و مذهبی وزیران در قصه‌های عامه، بیانگر بازتاب اندیشه‌های اساطیری ایرانی در این مجموعه روایت‌هاست. بنا به اساطیر ایران، وزیران نمایندگان ایزد مهر (میترا) هستند. چنانکه از «مهریشت» بر می‌آید مهر هم وظیفه جنگاوری دارد و هم موبدی (نک: بهار، ۱۳۶۲: ۱۷۶). از آنجا که به باور کریستین سن<sup>۲</sup> (۱۳۹۵: ۱۹۰) شاهان ساسانی علاقه زیادی به جنگ داشتند و از سوی دیگر چون این شاهان خود را زاده خدایان آسمانی می‌دانستند، تلاش داشتند ریاست عالی جامعه

مذهبی را نیز داشته باشند و از عهد خسرو اول به بعد، ساسانیان مقارنه دین و دولت را پذیرفتند. پس بدیهی است شاه از دو وزیر بهره برد که یکی موبد - وزیر است و دیگری سپاهبد - وزیر. از زاویه‌ای دیگر ما در برخی قصه‌ها شاهد دو وزیر هستیم که بر حسب کنش خود به وزیر دست راست و دست چپ تقسیم می‌شوند: وزیر دست راست، وزیری سلیم‌نفس، خوش‌قلب و صلح‌جوست، درست‌مقابل وزیر دست چپ که نیرنگ‌کار و بدسرشت است؛ مثلاً در *داراب‌نامه* رشنواد، وزیر دست راست و در عین حال نماینده طبقه سپهسالاران نیز هست، همچنان‌که جمهرون وزیر دست چپ، نماینده طبقه موبدان است. رشنواد در امور نظامی و رزم و مشق رزم دستی دارد؛ همچنان‌که در مراسم چوگان بازی و مشق رزمی که همای برای شناسایی داراب ترتیب داده است، رشنواد با داراب به چوگان بازی و مشق رزم می‌پردازد (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۴۴ / ۱). از این منظر شاید بتوان گفت مثلث قدرت در دوره ساسانیان این‌گونه شکل گرفته است: شاه در رأس هرم، وزیر دست راست (نماینده سپهسالاران و قوای نظامی) و وزیر دست چپ (نماینده موبدان):



این نوع نمایندگی در چگونگی هدیه آوردن ایشان به داراب به‌خوبی نمایان است: رشنواد دو اسب و ده غلام و پنج تخته جامه و ده جوشن مزرد و ده خود عادی و ده زره داوودی و ده نیزه خطی و ده تیر بلارک و سلاح‌هایی این چنینی می‌آورد و جمهرون پنجاه هزار دینار می‌دهد (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۴۵ / ۱). البته، همواره این‌گونه نیست که وزیر دست راست نماینده سپاهیان و وزیر جنگ باشد. گاهی وزیر دست راست، موبد وزیر است و فردی صلح‌دوست، صادق، درستکار و خوش‌قلب است که گاهی در نقش یاریگر قهرمان ظاهر می‌شود؛ چنانکه بزرجمهر در *حمزه‌نامه* و شمس وزیر در *قصه امیرارسلان نامدار* این‌گونه‌اند. در برخی از این قصه‌ها مقام موبد وزیر برتر از دیگر وزیر است؛ چنانکه در *قصه امیر ارسلان نامدار* وقتی دیگر وزیران و

بزرگان نمی‌توانند مانع از سفر امیر ارسلان شوند، ارسلان آشکارا می‌گوید حرمت شما در نزد من بیشتر از خواجه نعمان نیست (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۷۴).

وزیر دست چپ: مسعودی نقش وزیر اخیر را که در جایگاه موبد است، از همه مهم‌تر و بزرگ‌تر دانسته و او را حافظ دین و وزیر دیگر را دارای رتبه دوم و دون وی دانسته است (مسعودی، ۱۳۴۷: ۶۷). کار او گاه ایجاد موانع در مسیر قهرمان قصه و نیز بدسگالی، حيله‌گری و منفعت‌طلبی است. او برای مقاصد خود از اینکه دستش به خون آلوده شود، ابایی ندارد؛ همچنان که عبقرهود وزیر فصطلیقون، اگرچه سهواً فصطلیقون را تیغ می‌زند و می‌کشد؛ اما در تعبیر خواب نیز حيله به کار می‌برد و با تعبیر نادرست خواب، جان خود را نجات می‌دهد، خواب ببیند او را در تنگنا می‌گذارد (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۴۲). بدسگالی و جاه‌طلبی او تا آنجاست که می‌گوید عنطوسیه را نیز سر می‌برم و خود بر تخت می‌نشینم (همان، ۲۴۲). بختک وزیر، وزیر دست چپ نوشیروان نیز سزای بدطینتی و حيله‌گری خود را می‌بیند (نک: ناشناس، ۱۳۴۷: ۲۰۷ و ۴۸۱). قمر وزیر نیز سزای بدطینتی و نابکاری خود را می‌بیند. اینک کنش و منش وزیران را در سه قصه مورد پژوهش می‌کاویم:

۴ - ۲ - ۱. میانجی‌گری و پایمردی: وزیر در نقش یک مشاور و رایزن در دربار دارای چنان جایگاهی است که بر حدت خشم یا تأنی و تثبیت شاه اثرگذار است. بسته به منش و سیرت وی، شاه در برابر گناهکاران یا طاغیان یا موضع سخت و سنگ‌دلانه می‌گیرد یا اینکه از سر گناه وی در می‌گذرد. در نقش یادشده، وزیر در جایگاه انسانی خردمند و موقر و نیک‌اندیش ظاهر می‌شود: هنگامی که داراب از بارگاه همای می‌گریزد و تعداد زیادی از خدم و حشم همای را می‌کشد و ضحاک، سپهسالار همای را به بند می‌کشد، همای از رشنواد وزیر خود می‌خواهد مصلحتی به کار برد و با پایمردی و میانجی‌گری، ضحاک را از دست داراب نجات دهد و دفع شر کند (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۳ - ۳۴). این نقش را وزیر دست راست بازی می‌کند. اسکندر دو وزیر به نام‌های ارسطون و خونیا س دارد که اولی نماینده وزیر دست راست و دومی وزیر دست چپ؛ چون از این دو در باب کشتن یا نکشتن پوران‌دخت نظر می‌خواهد، ارسطون خیرخواهانه پایمردی می‌کند و می‌گوید پوران‌دخت خویش شماس است، او را

عزیز دار؛ اما خونپاس نظرش بر قتل اوست. ارسطون می‌گوید او را در بند کن تا هر وقت خواستی او را توان کُشی و اگر بکشی باز زنده نتوانی کرد و پشمانی سودی ندارد (همان، ۴۹۷ - ۴۹۸). وزیر اخیر تمثیل جاماسب است و او در تأیید نظرش حکایتی از جاماسب را گزارش می‌کند (همان، ۴۹۸). گاه شاه بر اثر هیجانات و انفعال نفسانی، خشم می‌گیرد و بر کشتن بندی دستور می‌دهد. در چنین شرایطی وزیر نیکاندیش به صورت میانجی وارد عمل می‌شود و شاه را آرام می‌کند. بوراندخت بر اثر ایمان نیاوردن فور هندو، بر او خشم می‌گیرد و دستور می‌دهد او را گردن بزنند، وزیر موبد او میانجی‌گری می‌کند و می‌گوید ای ملکه! صبر کن که زنده را توان کشتن؛ اما کشته را نتوان زنده کردن (همان، ۱۴۷/۲). در جایی دیگر وزیر مصطلق، او را از شتاب‌زدگی در کشتن بوراندخت باز می‌دارد و می‌گوید او زن است و زنان کم عقل‌اند، صبر کن او را به من بده تا من تدبیر وی کنم (همان، ۴۴۱).

۴ - ۲ - ۲. نیک‌اندیشی و پاک‌سیرتی: به واسطه پایمردی که بدان اشاره شد، درحقیقت، نقش مذکور تئمه و فرجام چنان کنش و منشی است که از وزیر سر می‌زند. خواجه نظام‌الملک معتقد است که چون وزیر نیک‌روش (نیک‌اندیش و پاک‌سیرت) باشد، مملکت آبادان و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و بابرگ باشند و پادشاه فارغ‌دل (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۷۵: ۲۲۳). چنین وزیری در دست راست پادشاه قرار می‌گیرد و اقبال رعایا بدو بیشتر است. در کتاب *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی در داستان «پیشگویی»* (با کُد ۹۳۰) وزیر انسانی نیک‌سیرت و مهربان تصویر شده است که نوزادی بی‌گناه را که به دستور شاه باید گردن زده شود، نجات می‌دهد و خون کلاغی را به جای خون او به شاه نشان می‌دهد (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۸۰). در قصه شاه و حضرت خضر (با کُد E ۱۶۴۱) نیز چنین وزیری تصویر شده است (نک به همان، ۲۳۸). نیز در *داراب‌نامه* رشنواد ازجمله وزیران خوش‌نیت همای و جایگاه او در دست راست است (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۳۶/۱). کوه آسای، والی ری، وزیری خردمند به نام «خرداد» دارد که از او در باب مسائل مهم مشورت می‌گیرد (همان، ۳۰۸). این وزیر نماد وزیران صالح، پارسا و نیک‌اندیش است. درحقیقت، این قبیل وزیران نماد وزیران این‌چنینی در حماسه ملی ایران‌اند. جاماسب وزیر گشتاسب و داماد زرتشت در میان مزدیسنان به حکمت،

درايت، فرزاني و اميني نامبردار است (نک به معين، ۱۳۸۴: ۷۱ / ۲). در راستای دو وزير داشتن شاهان، اسکندر نیز دو وزير به نام‌های خونياس و ارسطون دارد. ارسطون مظهر وزير نيک‌اندیش و پاک‌سیرت است؛ چنانکه وقتی اسکندر، بوران‌دخت را به بند می‌کشد، از این دو وزير نظر می‌خواهد که با او چه کند. ارسطون می‌گوید بوران‌دخت خویش شماسست، او را عزیزدار و او را در بند نگه دار تا هر وقت خواستی او را توانی گُشی و اگر بکشی با زنده نتوان کرد و پس از کشتن پشیمانی، سودی ندارد (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۴۹۸ / ۱). درحقیقت، ارسطون مُمثل جاماسب حکیم است؛ زیرا او در تأیید نظر خود، حکایتی از نيک‌سیرتی جاماسب بیان می‌کند (همان‌جا). در حمزه نامه نیز وقتی زندانی را می‌خواهند گردن زنند، نظر وزير دست چپ (بختک وزير) بر اقدام عاجل در گردن زدن بندی (امیرحمزه) است و نظر وزير دیگر (بزرجمهر) بر تأمل و درنگ است و معتقد است: او را در بند نگه داریم تا اگر لازم باشد او را بتوانیم کشت؛ ولی اگر او را بکشیم، کشته را زنده نتوان کرد و پشیمانی سودی ندارد (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱۷۸ / ۱).

۴ - ۲ - ۳. فال‌گیری و اسطرلاب‌نگری: اینکه در قصه‌ها وزیران حکیم، دانا، فال‌گیر و اسطرلاب‌نگر تصویر شده‌اند، شاید به دلیل تأثیر روش و منش زرتشت بوده است؛ چنانکه زرتشت را در منابع یونانی «اخترمار»، یعنی ستاره‌شمر می‌نامیدند و شایع بود که ستاره‌شمري را او بنا نهاد (بنونیست، ۱۳۷۷: ۳). از سوی دیگر این موضوع با جاماسب داماد زرتشت ارتباط دارد و کتاب جاماسب در پیشگویی و پیش‌بینی نامور بوده است. در حمزه نامه، بزرجمهر موبد - وزير از قِبل کتاب جاماسب‌نامه که از پدرش «بخت جمال» (که او نیز داماد جاماسب است) (نک: ناشناس، ۱۳۴۷: ۱۲ / ۱) به او ارث رسیده، حکمت، نجوم، رمل و اسطرلاب و آینده‌نگري و پیش‌بینی را فرامی‌گیرد و ذهن و روان و نیت انسان‌ها را می‌خواند (همان، ۱۶ - ۱۷). یکی از کردارهای پربسامد وزیران (معمولاً وزیری که نقش مذهبی دارد و در هیئت موبد ظاهر می‌شود)، طالع‌نگري است. وزير جنگ در اسطرلاب‌نگري و فال‌گویی تبخري ندارد؛ چنانکه وقتی قارن از منجمان دربار می‌خواهد دریابند که امیرحمزه کجاست، بختک وزير (وزير دست چپ = وزير جنگ) نیز به منجم می‌گوید در رمل تفحص کن و بین حمزه کجاست (همان، ۳۵۱ / ۲). شاهان در امور مهم و نهانی از وزیران می‌خواهند اسطرلاب

به آفتاب گذارند تا احوال و رخداد‌های آتی را رصد کنند. این اسطرلاب‌نگری در چندین مورد کاربرد دارد؛ از جمله یافتن گمشده (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۰؛ ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۲۲۱؛ نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۲۶۶ - ۲۶۷) در فهرست آرنه - تامپسون نیز در ذیل قصه شاه و دخترک زیرک (با کُد B۸۷۵) نقش وزیر یافتن اموال یا اشیاء کمیاب برای شاه است (Uther, 2004: 442): آگاهی از رخداد‌های آینده (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۹ - ۱۸۰؛ ناشناس، ۱۳۴۷: ۲/ ۴۸۲؛ نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۸۰)، گشایش و تسخیر قلعه و حصار (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۲۱؛ ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۲۰۹ - ۲۱۰)، طالع‌بینی (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۳۴؛ ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۱۳؛ نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۲۸۶ و ۳۹۴) و ازدواج (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۸۷؛ نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۱۱۲). در باب نقش اخیر در فهرست آرنه - تامپسون نیز در ذیل قصه قصه‌گویی، زن را از مرگ نجات می‌دهد (با کُد B۸۷۵) و بر حسب داستان شهرزاد، نقش وزیر یافتن زنان قصه‌گو برای شاه است (Uther, 2004: 445).

۴ - ۲ - ۴. خواب‌گزاری و تعبیر خواب: یکی از نقش‌های بدیهی و پرتکرار وزیران، تعبیر خواب شاهان و خاندان شاهی است. این کار را، بیشتر وزیری که نماینده طبقه موبدان است، به انجام می‌رساند، بدیهی است دلیل این امر نیز ارتباط خواب و رؤیا با امور غیبی و مذهبی است. در بارگاه همای جمهرون خواب‌گزار است و رشنواد در این امر دخالتی ندارد؛ چنانکه همای بعد از دیدن خوابی، می‌گوید افسوس که جمهرون زنده نیست تا خواب مرا تعبیر کند (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۵۲). خواریق شبی در خواب می‌بیند که پیل سپیدی که بر بسته، ناگاه از دست او می‌جهد. خواریق از وزیر خود می‌خواهد آن را تعبیر کند (همان، ۱۳۰). لکناد، پادشاه جزیره عروس نیز وزیری به نام خریطینوس دارد که در تعبیر خواب دستی دارد (همان، ۱۴۲). عبقرهود موبد - وزیر فصطلیقون در خواب‌گزاری خبره است (همان، ۲۴۲). گاه خود خواب گزار، خواب خود را گزارش می‌کند. عبقرهود شبی در خواب می‌بیند که ازدهایی از دریا برآمد و تخت او را به آتش کشید. عبقرهود خواب خود را چنین تعبیر می‌کند که

به‌زودی داراب حصار خطرش را تسخیر و او را هلاک خواهد کرد (همان، ۲۵۶). فیروزشاه نیز موبد - وزیر دارد به نام شموخون که تعبیر خواب می‌کند (همان، ۴۰۸).

۴ - ۲ - ۵. **امور مراسلات و نامه‌نگاری:** یکی از کارهای پرتکرار وزیران، خواندن و پاسخ دادن به نامه‌هاست. احتمالاً بدان دلیل که شاه دبیری نمی‌داند، خواندن و پاسخ دادن به نامه‌ها را به وزیر خود محول می‌کند؛ چنانکه لکوه‌ر، پادشاه جزیره منکلان، نامه‌ای از خوارق را باز می‌کند و به وزیر خود مروندی می‌دهد تا بخواند و پاسخ درخور دهد (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۲۷). عبقرهود، وزیر فصطلیقون، نامه‌ای را که از طرف داراب آمده است، به دستور پادشاه می‌خواند و پاسخ می‌دهد (همان، ۲۳۴). قیصر روم نیز نامه‌ای را که از طرف پیروزبخت آمده است به وزیر می‌دهد تا بخواند و پاسخ دهد (همان، ۳۴۲). در همین راستا، گاهی وزیران نقش پیک را ایفا می‌کنند. داراب به رشنواد می‌گوید که نامه‌ای به فیلقوس روم بنویسد و شخص خودش نامه را به حضور فیلقوس ببرد و جواب بگیرد (همان، ۳۵۹). نیز همو جانوسیار و ده موبد دیگر را به‌عنوان پیک و سفیر نزد فیلقوس، قیصر روم می‌فرستد (همان، ۳۷۹). از آن سوی نیز فیلاسون وزیر فیلقوس همین نقش را دارد (همان، ۳۸۱). قارن وزیر خود، فلسترون را مأمور می‌کند به خیمه بوراندخت برود و تفحص حال کند (همان، ۴۸۴). میلاد، وزیر اسکندر، در نقش پیک و سفیر عازم قلعه حلبیان می‌شود (همان، ۴۷/ ۲). نیز موبد یزدان ترس و سهطلیمس به‌عنوان دو تن از وزیران بوراندخت در نقش پیک، عازم دربار اسکندر می‌شوند (همان، ۹۶) و همان افراد در همان نقش بار دیگر عازم دربار فور هندو می‌شوند (همان، ۱۰۰). ارسطاطالیس، کویلهون و همارپال در نقش پیک، به رسولی نزد پادشاه نوط می‌روند (همان، ۳۴۷). بار دیگر در همین نقش کویلهون به رسولی نزد نظرون‌شاه، پادشاه گلیم گوشان می‌رود (همان، ۳۹۷). از سوی قباد شهریار، بزرجمهر حکیم مأموریت دارد به سرزمین اعراب رود و دشمن احتمالی فرزندش نوشیروان را بیابد (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۲۴ - ۲۶). خواندن نامه و جواب دادن بدان به دست وزیران در حمزه‌نامه نیز دیده می‌شود (همان، ۱۱۲). در داستان *امیر/ارسلان نامه* نیز خدیو مصر نامه‌ای از پترس شاه فرنگی را به وزیر خود می‌دهد تا بخواند و جواب درخور دهد (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۴۴). هم او در نقش پیک و سفیر

عازم دربار پترس شاه می‌شود (همان، ۴۴). پترس، شاه فرنگی، نامه امیر هوشنگ را به شمس وزیر می‌دهد تا بخواند (همان، ۱۱۱). آصف وزیر، از سوی اقبال‌شاه مأمور نگارش نامه به فولاد زره است (همان، ۲۸۱).

۴ - ۲ - ۶. **حیله‌گری و توطئه:** از آنجا که وزیران افراد دانا و زیرکی هستند، در حیله‌گری نیز توانمندند. حیله‌گری‌های وزیران برای از میدان به در کردن و نابودی قهرمان محوری قصه است. نقش یادشده وزیر ناشی از خبث طینت و بدسرشتی اوست؛ چنانکه در کتاب *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی در سه قصه؛ از جمله قصه انگشتر شاه (با کد ۹۳۰D)*، قصه مربوط به اولیا و شخصیت‌های تاریخی (با کد ۸۳۲B) و قصه حیله‌گر انتقام می‌گیرد. (با کد ۱۵۲۵S) وزیر، انسانی حریص، خبیث و حیله‌گر تصویر شده است (نک: مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵۸، ۱۸۱، ۲۲۲). در فهرست آرنه - تامپسون نیز در قصه «مرد رنجور» از زیبایی همسر (با کد ۴۶۵) نقش وزیر، حیله‌گری و توطئه برای به دست آوردن زن زیبا برای شاه است (Uther, 2004: 243). در *داراب‌نامه*، عبقرهود (نماینده موبدان و وزیر دست چپ فصطلیقون) برای از بین بردن مخالفان احتمالی و نیز برای آنکه خود بر تخت بنشیند، نقشه‌ای می‌کشد که بر حسب آن به چهارصد تن از بزرگان خطرش نامه می‌نویسد که به حضور عنطوسیه، ملکه خطرش بروند، آنگاه خود به نزد عنطوسیه می‌رود و می‌گوید این چهارصد مردی که می‌آیند، خائن هستند و قرار است قلعه را تسلیم داراب کنند. عنطوسیه این چهارصد نفر را اعدام می‌کند و بدین وسیله شرایط برای بر تخت نشستن عبقرهود فراهم می‌شود (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۴۲ - ۲۴۳). از محدود رفتارهای حیله‌گرانه وزیران، نوشتن نامه‌های جعلی از زبان پادشاه برای پیش‌برد اهداف شخصی است: بختک وزیر از زبان نوشیروان، بدون اطلاع وی، نامه‌ای به امیران ولایات می‌فرستاد مبنی بر تجهیز لشکر ولایات برای مقابله با امیر حمزه (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۳۰۴). در همین قصه بختک وزیر بار دیگر برای جمع‌آوری لشکر از ولایات مختلف علیه امیر حمزه، از زبان نوشیروان نامه می‌نویسد (همان، ۲/ ۳۵۲ و ۴۱۶).

یکی از جلوه‌های حيله‌گری وزیران، رفتارهای عیاری است. در حمزه نامه وقتی شهیال، پادشاه سرانديب با نوحاسته‌ای به نام لندهور روبه‌رو می‌شود، از وزیرش چگونگی دستگیری او را جویا می‌شود. وزیر با مدارا و نرمش و چرب‌زبانی به لندهور نزدیک می‌شود و به او حلوایی که به مواد بی‌هوشانه آغشته است، می‌خورد و او را دستگیر می‌کند (همان، ۱/ ۱۱۵). در داستان امیر ارسلان، قمر وزیر گروهی عیار و شبرو دارد که در عملیات‌هایی که قمر وزیر به آنان محول می‌کند، وارد عمل می‌شوند و خود قمر وزیر نیز شب‌روی و عیاری می‌کند؛ چنانکه وقتی امیر ارسلان در نبرد با الماس خان داروغه‌چی و چهارصد نفر از کارگزاران او خسته و مانده می‌شود، قمر وزیر و عیاران سیاه‌پوشش وی را نجات می‌دهند (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۱۹۵ - ۱۹۹). در بخش‌های دیگری از این داستان باز هم شاهد رفتار عیارانه قمر وزیر هستیم (نک: همان، ۲۰۶، ۲۱۶).

در راستای همین حيله‌گری و خدعه است که شاهان در بیشتر موارد به توصیه و حرف وزیر دست چپ عمل می‌کنند و نتیجه این حرف‌شنوی نیز شکست و رسوایی است. نوشیروان در جای جای حمزه نامه به حرف‌های بختک وزیر عمل می‌کند و برای نابودی قهرمان (امیرحمزه) نقشه‌های گوناگون می‌کشد و سرانجام، جز شکست نتیجه‌ای نمی‌یابد (نک: همان، ۲/ ۳۷۶ به بعد). درنهایت، وزیر دست چپ سزای این توطئه‌گری و حيله‌گری را می‌یابد یا قهرمان یا یکی از دستیاران (باریگران) قهرمان او را از بین می‌برد؛ چنانکه عمر امیه زمري به عیاری، بختک وزیر خبیث را بی‌هوش می‌کند، می‌رباید و سرانجام می‌کشد (همان، ۲/ ۴۸۱).

حيله‌گری بیشتر از سوی وزیر دست چپ صورت می‌گیرد: قمر وزیر از آنجا که خود خواستگار فرخ‌لقاست و نیز به دلیل دشمنی‌ای که با شمس وزیر دارد، به دروغ می‌گوید ازدواج با امیر ارسلان سعد نیست. عاقبت به واسطه همین حيله‌گری است که شاه را متقاعد می‌کند شمس وزیر را گردن بزند؛ اما با میانجی‌گری دیگر بزرگان، شاه شمس وزیر را به زندان می‌اندازد (همان، ۱۱۴ - ۱۲۱). همین کنش در جای دیگری از این داستان از قمر وزیر دیده می‌شود (نک: همان، ۱۷۵).

۴ - ۲ - ۷. قدرت‌طلبی، جاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی: عبقریود که وزیری جاه‌طلب و مکار است، برای بر تخت نشستن، علاوه بر فصطریقون، با توطئه‌ای بزرگان شهر و عنطوسیة، ملکهٔ دربار را از میان می‌برد (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۴۴). گاه وزیران به دلیل زردوستی و طمع در ثروت‌اندوزی حتی دست به کشتن افراد می‌زنند: در حمزه‌نامه - القش وزیر، دوست دمساز و نزدیک خود را به دلیل یافتن گنجی در باغی می‌کشد و خود گنج را تصرف می‌کند (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۱۴). این وزیر نمایندهٔ موبد - وزیران است؛ زیرا تنها دوست دمساز و نزدیک وی همین بخت جمال است که او داماد جاماسب حکیم است که در دین‌داری یگانه است (همان، ۱۲). در راستای همین ویژگی است که برخی از وزیران دارای کوشک و عمارت‌های اعیانی شخصی هستند که در آن همه گونه اسباب کامرانی و تنعم مهیاست. همین القش وزیر برای خود در باغی، عمارت و کوشکی شخصی برآورده است (همان، ۱۹). در راستای چنین ویژگی‌ای، برخی از وزیران با وضع مالیات و خراج‌های سنگین، ضمن اینکه کیسهٔ خود را پر می‌کنند، ویرانی و نابودی و در عین حال نارضایتی مردم فرودست را سبب می‌شوند؛ بختک وزیر، وزیر دست‌چپ نوشیروان، با وضع مالیات‌های سنگین، مملکت را به سوی نابودی می‌کشد (همان، ۲۸). در داستان امیر ارسلان نیز قمر وزیر برای خود باغی شخصی دارد که در آن قصری باشکوه ساخته و در آنجا افراد هواخواه او به نام گروه سیاهپوشان - که دسته‌ای از عیاران هستند - حضور دارند (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

۴ - ۲ - ۸. رایزن نظامی: شاهان در قصه‌ها، به‌ویژه در قصه‌های مورد پژوهش، از دو وزیر بهره می‌گیرند؛ یکی وزیری که نقش مذهبی و آیینی دارد (موبد) و دیگری وزیری که نقش نظامی دارد (سپهسالار یا وزیر جنگ). رنگ لباس وزیران جنگ سرخ است و رنگ لباس موبدان سپید. حتی شاهان چون به عبادت نشینند، لباس سپید می‌پوشند (نک: طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۴، ۵۹). تدابیر جنگی و شرکت مستقیم در نبردها، یکی از کارکردهای وزیران، به‌ویژه وزیر غیرموبد است. درحقیقت، هم‌چنانکه موبد - وزیر نقش رایزن و مشاور فرهنگی را دارد، دیگر وزیر نقش رایزن نظامی و راهبردی دارد. رشنواد که نمایندهٔ طبقهٔ جنگاوران و سپهسالاران در دربار همای است،

خود به‌طور مستقیم در نبرد با کوه آسا (یاریگر قیصر روم) شرکت می‌کند و طلایه‌دار دو هزار سواره است (همان، ۱/ ۳۰۹). داراب برای لشکرکشی به روم، از رشنواد که در امور نظامی خبره است، مشورت می‌گیرد و بر حسب نظر وی عمل می‌کند (همان، ۳۵۷). برای نبرد با امیرحمزه و چگونگی مقابله با وی، نوشیروان با بختک وزیر، وزیر جنگ، مشورت می‌کند و او را با چند سپهسالار دیگر به مقابله با حمزه می‌فرستد (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۱۰۶). در جایی دیگر از این قصه، انوشیروان برای مقابله با لندهور از بختک وزیر نظر می‌خواهد و او نیز نظری راهبردی و نظامی پیشنهاد می‌کند (همان، ۱۱۹). درحقیقت، چنانکه در این قصه پیداست، بختک وزیر، وزیر دست چپ مشاور نظامی (وزیر جنگ) است و بزرجمهر مشاور فرهنگی، اجتماعی و قضایی. از سوی دیگر وزیر دست راست یاریگر قهرمان است و دیگر وزیر ضد قهرمان؛ چنانکه بزرجمهر یاریگر و عامل قهرمان (امیرحمزه) است و بختک وزیر یاریگر ضد قهرمان (گسته‌م) (نک: همان، ۱۹ - ۱۲۲). در جاهایی دیگر از این قصه نقش بختک وزیر در تاکتیک‌های نظامی مشخص است (نک: همان، ۲۰۰، ۲۵۶). در قصه امیر ارسلان نامدار، خدیو مصر برای مقابله با پترس شاه فرنگی، از وزیر خود (بی‌نام) مشورت می‌گیرد و او را مأمور تجهیز لشکر می‌کند (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۳۵). بار دیگر خدیو مصر وزیر خود را برای مقابله احتمالی با سام خان فرنگی، مأمور تجهیز و تدارک لشکر می‌کند (همان، ۵۰). از آن طرف نیز سام خان، وزیر خود، کاردان وزیر را مأمور تجهیز و تدارک لشکر علیه خدیو مصر و امیر ارسلان می‌کند (همان، ۵۳). در بخش‌های دیگری از این قصه آصف وزیر برای مقابله با فولاد زره، مأمور تجهیز لشکر است (همان، ۲۷۹). او در جایی دیگر مأمور تجهیز لشکر برای مقابله با الهاک دیو است (همان، ۳۷۱). سهیل وزیر، وزیر شیرگویا، برای مقابله با اقبال شاه و شاهرخ شاه، چنین مأموریتی دارد (همان، ۳۷۹).

۴ - ۲ - ۹. طبابت و درمانگری: یکی از مهم‌ترین نقش‌های وزیران، درمانگری است. چنین نقشی برخاسته از حکمت و دانایی ایشان است. این نقش را تنها موبد - وزیر به انجام می‌رساند. در فهرست آرنه - تامپسون، در قصه زن جوان زیرک در پایان سفر (با کُد ۸۷۵D) نقش وزیر یافتن داروی مرگ است (Uther, 2004: 443). جانوسیار

موضوع بویناکی دهان ناهید را به فالیقون، موبد - وزیر قیصر روم گزارش می‌کند و فالیقون می‌گوید راه درمان آن، گشایش رگی در زبان ناهید است (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۸۹). در مواردی نیز وزیر بدون استفاده از دارو به مدد فراست درمانگری می‌کند: امیر حمزه به دلیل عاشق شدن (عاشق مهرنگار دختر نوشیروان) نزار و زردروی می‌شود و به دیگران می‌گوید ناخوش است؛ اما بزرجمهر با فراست در می‌یابد که او را چه شده است و زمینه درمان عشق امیرحمزه را فراهم می‌کند (ناشناس، ۱۳۴۷: ۱/ ۱۰۲ - ۱۰۳). در بخش دیگری از این قصه، بزرجمهر برای مداوای امیرحمزه - که در فراق و مرگ مهرنگار در شرف دیوانگی است - می‌گوید تا بیست و یک روز حال امیر حمزه نامساعد است و پس از آن بهبودی می‌یابد (همان، ۲/ ۳۴۲). در داستان امیر ارسلان، آصف وزیر، وزیر اقبال شاه در درمانگری و طبابت مهارت دارد (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۳۰۸ - ۳۰۹).

۴ - ۲ - ۱۰. **طلسم و طلسم‌گشایی:** به دلیل دانایی و حکمت وزیران، بدیهی است که ایشان در امور رمزی و نهان، همچون طلسم و طلسم‌گشایی تبحر داشته باشند. وزیران در همه علوم مهارت دارند؛ چنانکه ارسطاطالیس در طب، نجوم، تعبیر خواب، هندسه و فلسفه سرآمد است. درحقیقت، چنین نقشی و چنین صفاتی تداعی کننده جاماسب وزیر حکیم گشتاسب و داماد زرتشت است. در *درب‌نامه* به این امر از زبان ارسطاطالیس تصریح شده است. وقتی اسکندر می‌خواهد ارسطاطالیس را به ایران بفرستند، او نمی‌پذیرد و چنین می‌گوید: رفتن به ایران وقتی ارزش داشت که جاماسب حکیم زنده بود (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۴۴۴). جاماسب در طلسم و طلسم‌گشایی مهارت داشت (همان، ۴۵۵). قمر وزیر و شمس وزیر در داستان امیر ارسلان به طلسم گردن‌بندی برای فرخ‌لقا برخاسته‌اند تا جان وی را پاس بدارند (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۸: ۲۱۵ - ۲۱۶). در بخش دیگری از همین داستان، شمس وزیر برای زنده کردن فرخ‌لقا که به طلسم قمر وزیر به ظاهر کشته شده است، کتابی از بغل در می‌آورد و شروع به خواندن می‌کند و دستور می‌دهد نعش فرخ‌لقا را در آتش بیندازند و خود درون آتش می‌رود و تبدیل به اردهایی آتش‌بار می‌شود. از آن سو قمر وزیر نیز برای طلسم، از کتابی که در بغل دارد بهره می‌گیرد (همان، ۲۲۵ - ۲۲۹). آصف وزیر، وزیر اقبال شاه

نیز در طلسم و طلسم‌گشایی بسیار مهارت دارد و استاد شمس وزیر و قمر وزیر در طلسم است (نک: همان، ۲۷۱). همین وزیر با استفاده از خاکستر جسد فولادزره و مادرش و خواندن وردی، افراد سنگ‌شده در قلعهٔ سنگباران را نجات می‌دهد، طلسم آنان را می‌شکند و دوباره زنده می‌کند (همان، ۳۳۹).

## ۵. نتیجه

در قصهٔ *امیر/ارسلان*، خلاف دیگر قصه‌های مورد پژوهش، وزیر جنگ و موبد وزیر مشخص نیست. هر دو وزیر هم در امور جنگ مداخله می‌کنند و هم در رمل و اسطرلاب‌نگری مشارکت دارند. چنانکه در این قصه‌ها پیداست، وزیر دست چپ مشاور نظامی (وزیر جنگ) است و وزیر دست راست مشاور فرهنگی، اجتماعی و قضایی. از سوی دیگر وزیر دست راست یاریگر قهرمان است و دیگر وزیر ضد قهرمان. بزرجمهر یاریگر و عامل قهرمان (امیر حمزه) است و بختک وزیر یاریگر ضد قهرمان (گسته‌م). در برخی از این قصه‌ها مقام موبد وزیر برتر از دیگر وزیر است؛ چنانکه در قصهٔ *امیر/ارسلان نامدار* مقام خواجه نعمان برتر از دیگر وزیران است. یکی دیگر از رفتارهای وزیر دست چپ، ایجاد موانع متعدد برای خواستگاران شاهدخت است. بختک وزیر با موانع و البته، با بهانه‌تراشی‌های فراوان بر سر راه امیر حمزه، در مسیر وصال وی با مهرنگار، سنگ‌اندازی می‌کند. قمر وزیر نیز در قصهٔ *امیر/ارسلان* با موانع فراوان ولو به کمک جادو و طلسم، مانع از وصال *ارسلان* با *فرخ‌لقاست*. او علناً خواستگار شاهدخت است. در بحث اسطرلاب‌نگری و فال‌گیری این موضوع با جاماسب داماد زرتشت ارتباط دارد و کتاب *جاماسب* در پیشگویی و پیش‌بینی نامور بوده است. در *حمزه‌نامه* بزرجمهر موبد - وزیر از قِبَل کتاب *جاماسب‌نامه* حکمت، نجوم، رمل و اسطرلاب و آینده‌نگری و پیش‌بینی را فرا می‌گیرد. معمولاً وزیری که نقش مذهبی دارد و در هیئت موبد ظاهر می‌شود، طالع‌نگر است. وزیر جنگ به‌نظر می‌رسد در اسطرلاب‌نگری و فال‌گویی تبحری ندارد. از نکات خواندنی و مهم قصه‌ها این است که وزیر دست راست (وزیر نیک‌اندیش و نیک‌محضر) به مدد

اسطرلاب‌نگری، چگونگی و زمان مرگ وزیر دست چپ را پیش‌بینی می‌کند؛ اما ظاهراً از گفتن آن به همکار خود ابا دارد.

در نقش دبیری و نامه‌نگاری و پیکی، وزیران نقشی مهم و تأثیرگذار دارند، شاید به دلیل خردمندی، تأنی و درایت وزیر، به‌ویژه موبد وزیر باشد که این نقش را شاهان به ایشان محول می‌کنند. توطئه‌گری و حيله‌گری یکی دیگر از نقش‌های وزیر، به‌ویژه وزیر دست چپ یا موبد وزیر است. عیاری و شبروی در راستای چنین نقشی است. وزیر دست چپ (قمر وزیر در *امیر/ارسلان* و بختک وزیر در *حمزه‌نامه* و عبقرهود در *داراب‌نامه*) به واسطه چنین نقشی تأثیر زیادی بر شاهان دارند و عاقبت، شاه از نقشه‌های هوشمندانه آنان بهره‌ای نمی‌برد و در بیشتر موارد، به دلیل حيله‌گری و تلبیس، به توصیه و حرف وزیر دست چپ عمل می‌کنند که به شکست منجر می‌شود. یکی از مهم‌ترین نقش‌های وزیران، درمانگری است که برخاسته از حکمت و دانایی ایشان است. فالیقون، بزرجمهر و آصف وزیر، به ترتیب در سه داستان *داراب‌نامه*، *حمزه‌نامه* و *امیر/ارسلان* در چنین نقشی ظاهر می‌شوند. آخرین نقشی که وزیران در قصه‌های بررسی شده بر عهده دارند، طلسم و طلسم‌گشایی است. آن‌ها در امور رمزی و نهان، همچون طلسم و طلسم‌گشایی تبحر دارند. وزیران در همه علوم مهارت دارند؛ چنانکه ارسطاطالیس در طب، نجوم، تعبیر خواب، هندسه و فلسفه سرآمد است. درحقیقت، چنین نقشی و چنین صفاتی تداعی کننده جاماسب وزیر حکیم گشتاسب و داماد زرتشت است. در داستان امیر راسلان چنین نقشی بیشتر دیده می‌شود و قمر وزیر و شمس وزیر و آصف وزیر هر کدام در طلسم‌گذاری و طلسم‌گشایی مهارت دارند. نکته پایانی اینکه نام برخی از وزیران و حکیمان، یونانی است، مانند: ارسطاطالیس، افلاطون، ارسطون، خونیا، تالینوس، سهطلیمس و ... نشان‌دهنده تأثیر «فیل هلنی» اشکانیان است و اشکانیان در تاریخ ایران به گرایش‌های یونانی و هلنی نامورند و از آن سوی نام برخی حکیمان و وزیران عبری است؛ مانند شمعون و شموخون و... که نشان‌دهنده نفوذ یهودیان در دوره هخامنشیان است.

پی‌نوشت‌ها

1. Jacob. Ludwig. Carl and Wilhelm. Carl. Grimm

2. Aarne- Thompson
3. Vladimir Propp
4. Arthur Christensen

## منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن ( ۱۳۸۸). مقدمه. ج ۱ و ۲. ترجمه محمد پروین گنابادی. چ ۱۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- اخوان الصفا (۱۴۰۵ق). رسائل اخوان الصفا و خلائ الوفا. ج ۲. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: توس.
- بهرامی، اکرم (۱۳۵۴). «وزیر و وزارت در دوره اسلامی». وحید. د ۱۳. ش ۱۸۷. صص ۹۵۴ - ۹۷۲.
- بیانی، احمد (۱۳۷۴). قصه‌ها و باورها؛ پژوهشی درباره قصه‌های ملل. چ ۱. تهران: صابرین.
- بنونیست، امیل (۱۳۷۷). دین ایرانی. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: قطره.
- شیدا، شهرزاد و داوود حقی دانالو (۱۳۹۴). «بررسی جایگاه و ویژگی‌های وزیر در متون ادبی». دهخدا. ش ۲۰. د ۶. صص ۱۳۲ - ۱۶۸.
- خواجه نظام الملک طوسی، حسین بن علی (۱۳۷۵). سیاست‌نامه. به کوشش جعفر شعار. تهران: چاپخانه خرمی.
- طرسوسی، ابوطاهر محمد بن حسن (۱۳۸۹). داراب‌نامه. ج ۲. تصحیح ذبیح‌الله صفا. تهران: علمی - فرهنگی.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن وشمگیرزیاری (۱۳۷۳). قابوس‌نامه. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ۲. تهران: علمی فرهنگی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۹۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. ج ۴. تهران: صدای معاصر.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: سروش.
- ماسه، هانری و رنه گروسه (۱۳۳۹). تاریخ تمدن ایران. ترجمه جواد محبی. ج ۱. تهران: بنگاه مطبوعات گوتنبرگ.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۷). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳۸۴). مزدیسنا و ادب پارسی. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- ناشناس (۱۳۴۷). حمزه‌نامه. به کوشش جعفر شعار. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.

سال ۷، شماره ۲۹، آذر و دی ۱۳۹۸ \_\_\_\_\_ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

- نقیب‌الممالک (۱۳۸۸). *امیر/ارسلان نامدار*. کلیات هفت جلدی. تهران: گلی.

- Uther, Hans- jorg (2004), The Types of international Folktales: a classification and bibliography, Based on the system of Anti aarne and Stith Thompson, Helsinki: Suomalainen Tiedeakatemia.

## **A Study on the Images of Viziers in Iranian Written Folktales: The Cases of Darab Nama Tarsusi, The Story of Hamza, Amir Arsalan Namdar**

**Amirabas Azizifar<sup>2</sup> Mahmoud Kamali\*<sup>1</sup>**

1. Faculty Member of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah.
  2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor
- Received: 09/07/2019 Accepted: 22/10/2019

### **Abstract**

This study is based on the descriptive-analytic library method. Three tales were selected for this study: Darab nama Tarsusi, Hamza nama, and Amir Arsalan Namdar. Three motifs were considered in this regard: Darab Nama has a mythical, epical, and historical motif; Hamza Nama has an epical-religious motif; and the motif of Amir Arsalan Namdar is romantic. The study, on the one hand, aims to investigate what categories of viziers' actions could be extracted from the Iranian folk stories and the factors which play role in this regard, and on the other, to pursue if these actions reveal any historical and social events or they are typical actions throughout the stories. The results of the study showed that there are two kinds of vizier; one kind is "Mobad-vizier" and another is "Sepahbad-vizier". From this point of view, the first one is cultural, social and juridical consultant and the second one is martial consultant. These two kinds of viziers are present in Darab Nama and Hamza Nama. Based on this dual division, the first vizier (Mobad-vizier) has roles such as fortune telling, wedding ceremony, ambassadorship, intercession, dream interpretation, political advisor and magic works. The other vizier, however, is a martial consultant and sometimes shows his treachery and skullduggery. Viziers in the story of Amir Arsalan Namdar are different from viziers in the other two stories. In this story, viziers are categorized as "vizier on the right hand" and "vizier on the left hand". Often the right-hand vizier is a well-mannered, kind-hearted, well-natured person and naturally the supporter of the main hero of the story. The other one, however, is an evil-minded, wicked conspirator and anti-hero. Lastly, it could be mentioned that Hamza nama and Darab nama are reflecting the social and historical events of the Sasanid era, while Amir Arsalan is related to the Qajar period.

**Keywords:** Folktale, Vizier, Darab Nama, Hamza Nama, Amir Arsalan Namdar.

---

\*Corresponding Author's E-mail: a.azizifar@razi.ac.ir